

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۲۶ جون ۲۰۲۴

تهیه، ترتیب و ترجمه: فریده نوری

بازگشت چندین شکله تروریزم در افغانستان و پاکستان

نویسنده: Georges Lefeuve, محقق

در مؤسسه روابط بین المللی و ستراتیژیک (IRIS) متخصص افغانستان و پاکستان

و قبلاً مشاور سیاسی در اتحادیه اروپا در پاکستان

قسمت دووم

این هم قسمتی از دولت است: یک حرکت قوی و با زور، یا یک انتقال کامل حاکمیت با از بین بردن کامل نظم گذشته مانند امویان در قرن هشتم و یا نظم امروزه غرب. به این اصطلاح انقلاب می نامند و این اصطلاح بیشتر از اصطلاح دولت مناسب است و معنی اعلان احیای خلافت بغداد را می دهد که نیم قرن بر اُمت حکومت کرد از ۷۴۹ الی ۱۲۵۸، از هند تا اندلوزی (de l'Inde à l'Andalousie).

ما در اینجا عناصری از مفهوم فق یا الهیات را داریم که از بازگشت تروریزم در افغانستان - پاکستان حمایت می کند و از طرف دیگر یک عنصر شرطی نیز می باشد «مردم خراسان» و این نه یک پدیده جدید است و نه یک حادثه غیر منتظره بد، زیرا که در سخنرانی سال ۷۴۹ نیز از آن ها ذکر شده است! در حقیقت این شورش از دره خراسان آغاز می شود که در شمال شرق ترین نقطه ایران امروزی قرار دارد، شروع یک شورش ایرانیان که تازه به اسلام گرویده بودند، گردید و منجر به سرنگونی امویان شد.

آن ها فوراً با تشکیل یک گارد مسلح، خلافت عباسی جدید را تشکیل دادند با نام کاملاً واضح، ابناء الدوله "فرزندان انقلاب".

ترجمه ستراتیژیک فق سیاسی در افغانستان - پاکستان:

بنابراین دولت اسلامی - خراسان هیچ شباهتی به تشکل یک دولت در افغانستان یا حتی در تاجکستان (اشاره بر حمله در مسکو) ندارد، زیادتیر به یک تحریک جهانی بنام «انقلاب اسلامی در خراسان» است که در مناطق قبائلی پاکستان به وجود آمده است و زیادتیر رول مادر را در گروه های تروریستی بازی می کند و تعجب آور نیست که عمر خالد از قبیله مومند در سال ۲۰۰۷ بنیاد گزار تحریک طالبان پاکستان خود را "خراسانی" نامید، و دلیل جدا شدنش در سال ۲۰۱۴ قبیله گرایی پشتون ها بود که مانع جهانی شدن اسلام و جهاد گردید.

یک مخالف دیگر از قبیله اوروکزی، حفیظ سعید خان نیز به آن ها پیوست و خراسان را تأسیس کردند و در جنوری ۲۰۱۵ مورد تائید البغدادی نیز قرار گرفت. آن ها از ارتباط خود با القاعده نفرت دوگانه را حفظ کردند که عبارت از شیعیان و دولت - ملت های است که سبب تقسیم امت می شوند به دو اصل وفادار می باشند و الهام شان را از بن لادن گرفته اند: تیمیه از سوریه در قرن پانزدهم و عبدالوهاب سعودی در قرن هژدهم.

دولت اسلامی - خراسان به جذب اعضا از بین کسانی که از تحریک طالبان پاکستانی، که به دلیل جانشینی تضعیف شده بودند، و همچنان به جذب از گروه های آسیای مرکزی، ازبک ها و ویغور ها Ouighours پرداختند.

چیزی که مهم است که دولت اسلامی - خراسان کوشید تا اشتباه البغدادی را تکرار نکند زیرا البغدادی وقتی داعش را بنام دولت اولیه با داشتن یک سلسله مراتب بنا نمود، که دارای یک قومندان نظامی با تجهیزات و دفاتر و تعدادی از ساختار های که همه علنی بوده که به آسانی می توانستند نابود گردند.

به شیوه القاعده، دولت اسلامی - خراسان از میکانیزم که در گیاه شناسی به آن قلمه گرفتن "marcotage" می گویند، استفاده نمود که قلمه باید از درخت مادری جدا و در زمین های حاصل خیز دوباره زرع شود. این کار مانند کاریست که القاعده از اولین پناهگاه خود در افغانستان انجام داد و تا به عراق، عربستان، یمن، افریقا و غیره جاه ها

فعلاً همین کار را خراسان در افغانستان، پاکستان و آسیای مرکزی انجام می دهد، به عوض اینکه یک خلافت خورد را اعلان نمایند که چانس از بین بردن آن به زودی موجود است، فلذا القاعده و خراسان ترجیع می دهند که در همه جا برای مستقر ساختن یک خلافت بزرگ آماده شوند و این آرزو، خیالاتی است که همه جهادی ها در سر می پروراند و از آن تغذیه می شوند و برای شان تحرک فوق العاده در ساحه می دهد.

این ستراتیژی با ستراتیژی طالبان در تقابل قرار دارد که طالبان از زمان شکست شان در سال ۲۰۰۱ دوباره بدست آوردن تمام سرزمین پدری شان آرزوی شان مستقر ساختن امارت اسلامی افغانستان بود.

دشمنی بین "جهادی های بدون سرحد" یعنی خراسان و طالبان "ملی گرا" بسیار زیاد و متداوم است. طالبان قبل و بعد از موفقیت شان در سال ۲۰۲۱ با آن ها در مبارزه شدید قرار دارند و حتی قبل از موفقیت شان، آن ها را از اکثر پایگاه های شان بیرون کشیدند، بجز در ولایت ننگرهار، زیرا در آن جا از حمایت قبیله مهمند که اصلیت شان است برخوردار اند.

دولت اسلامی - خراسان که در حقیقت دولت نیست از سال ۲۰۲۱ توانسته در ولایت کنر که در شمال ننگرهار واقع است و همچنان در دهلیز واکان میان افغانستان و تاجکستان مستقر شوند که یک راه دخیلی برای آسیای مرکزی بوده و به این ترتیب ارتباط خود را با جنبش های اسلامی تاجیکی و ازبکی و جنبش اسلامی ترکستان شرقی برقرار کند. باوجود پایگاه های ضعیف و تجهیزات نظامی قلیل، اما ظرفیت آسیب رسانی آن بلند است، زیرا گروه های انتحاری را با ظرفیت کم مالی اما با حجم بلند تخریبات در شهر ها آماده ساخته که با انجام دادن حملات گسترده، وحشت و دهشت در بین اهالی ایجاد می نماید و به دولت اسلامی خراسان یک تصویر شکست ناپذیر می دهد که واقعاً ندارد. ما حملات مکرر آن ها را در دشت برچی در منطقه شعیه نشین شهر کابل به یاد داریم، از جمله حمله بر یک زایشگاه داکتران بدون سرحد که در آن ۲۴ نفر در ماه می سال ۲۰۲۰ کشته شدند که در بین کشته شدگان ۱۶ نفر شان مادر بودند و در ماه آگست سال ۲۰۲۱ حمله در میدان هوایی کابل که در آن ۱۸۲ نفر کشته شدند.

وضعیت در سال ۲۰۲۴ به چه منوال بود؟ طالبان ادعا شکست دولت اسلامی خراسان را در افغانستان دارند. اگر به احصائی داده شده از پورتال تروریستی جنوب آسیا (SATP8) یا مرکز مبارزه با تروریسم ویست پاینت (Centre de Contre Terrorisme de West Point) مشاهده کنیم، این کاملاً درست نیست.

در سال ۲۰۲۴ هفت حمله علیه شیعیان باعث کشته شدن ۶۳ نفر شد و ۱۰ حمله علیه قوای امنیتی ۵۶ کشته بر جای گذاشت.

برعکس امسال خراسان تنوع در حملاتش ایجاد نموده است. پانزده عملیات بسیار هدفمند در مناطق قبائیلی، هفده مامور دولت پاکستان را کشته است. بعد از یک وقفه ده ساله و جدایی، اکثر اً حمایت قابل ملاحظه از تحریک طالبان پاکستانی می نماید. بطور مثال حمله بر اقلیت شعیه در کرم اجنسی

در نوامبر گذشته ۱۳۰ نفر کشته شد. همچنان حملات بالای زیربنا های پاکستان و علیه ماموران دولت پاکستان.

قابل توجه این است که خراسان حملات خود را در مناطق دوردست افزایش داده است: به تاریخ ۳ جنوری در کرمان ایران ۹۶ نفر کشته شدند، زیرا ایرانیان در آنجا آمده بودند تا از روز سالگرد جنرال سلیمانی رئیس استخبارات سپاه پاسداران که توسط طیاره بدون سرنشین امریکایی در ۳ جنوری سال ۲۰۲۰ کشته شده بود، یاد و بود و تجلیل نمایند. مسئولیت حمله را دولت اسلامی - خراسان به عهده گرفت، احتمالاً دیگر دولت اسلامی - خراسان در فضای افغانستان محدود نخواهد ماند.

تحریک طالبان پاکستان از جمله خطرناک ترین گروه تروریستی در سرحد است، نتنها به دلیل تعداد زیاد قربانیان توسط آنان، بلکه به دلیل توانایی روز افزون شان جهت بی ثبات کردن دولت پاکستان. از زمان به قدرت رسیدن دوباره طالبان ناامنی ها بین افغانستان و پاکستان معکوس شده است: بطور مثال تعداد کشته شدگان در افغانستان در سال ۲۰۲۱ به ۸۴۶۹ و در مقابل در سال ۲۰۲۴ به ۵۰۱ نفر تقلیل یافته و بر عکس در پاکستان در سال ۲۰۲۱ تعداد کشته شدگان ۶۶۴ و در سال ۲۰۲۴ به ۲۲۳۶ بالا رفته است و زیادهترین آسیب را ولایات سرحدی متقبل گردیده اند.

طالبان افغان طبق موافقت نامه دوحه که در سال ۲۰۲۰ امضا نمودند، متعهد شده بودند که تمامی روابط شان را با القاعده و همه سازمان های که احتمالاً امنیت امریکا را تهدید کند، قطع می کنند. در حقیقت با داعش مبارزه می نمایند، اما در مورد القاعده و چندین گروه دیگر مانند MIO (Mouvement Islamique d'Ouzbékistak) و ETIM (East Turkestan Islamic Movement)، قسمتی از بیست گروهی هستند که تحریک طالبان پاکستان را تشکیل می دهند، علاوه بر ده گروه دیگر که در سال ۲۰۰۲ توسط جنرال مشرف رئیس جمهور پاکستان ممنوع شده بودند، مانند لشکر جنگجوی Lashkar-i-Jhangvi و لشکر طیبه Lashkar-e-Taiba که تحت پوشش تحریک طالبان پاکستانی فعالیت می کنند.

خلاصه اینکه این ارتباطات قوی هستند، اما دولت کابل قصد دارد تا ثابت نماید که دیگر هیچ ارتباطی با تروریسم ندارد.

دولت کابل از یک طرف با دولت اسلامی - خراسان مبارزه می کند، از گروه جنجال بر انگیز تحریک طالبان پاکستان می خواهد که از کابل دور شوند و به مناطق سرحدی به پایگاه های اصلی و تاریخی شان برگردند و همچنان سلول های القاعده را که با آن ها وابسته اند نیز با خود ببرند.

به تاریخ ۳ جنوری سال ۲۰۲۲ هنگامیکه ذبیح الله مجاهد وزیر مطبوعات بود از اظهارات وی در مجله Dawn نقل شده است که « خط دیورند همچنان یک مسئله حل نشده است».

چیزیکه رهبر تحریک طالبان پاکستان نور ولی محسود جهت شرط آتش بس می خواهد که مناطق قبائلی پاکستان به حال قبلی یعنی خود مختار، اما تحت اداره تحریک طالبان پاکستانی در آید. وی همچنان اعلان نمود که دیگر به مردم ملکی حمله نمی کند و هدفش دولت خواهد بود... بنابراین تحریک طالبان پاکستان مانند بازوی مسلح یا نظامی ادعای سرزمین های را دارند که امارت اسلامی افغانستان نیز ادعای آن را دارند.

درگیری ها در بین سرحدات دائمی هستند و پاکستان با حملات هوایی به پایگاه های که گفته می شود متعلق با تحریک طالبان پاکستانی در سمت افغانستان هستند، حمله می کنند. وضعیت نگران کننده تر است زیرا بلوچستان روز به روز بر آشفته تر می شود و پروژه بزرگ ۶۲ میلیارد دالری دهلیز اقتصادی چین - پاکستان را به خطر مواجه می سازد.

جدایی طلبان «اردوی آزادی بخش بلوچستان»: این ها شامل جنبش اسلامیت ها نیستند بر عکس وابستگی شان را به مارکسیزم اعلان می کنند. ذکر نمودن از آن ها به دودلیل حایز اهمیت است: فعالیت زیاد جدایی طلبان انسجام دولت را به خطر مواجه می سازد، اما مهمتر از همه که دیگر از همکاری با تروریست های اسلام گرا تردید ندارند.

قرار راپور سالانه The Balochistan Post در سال ۲۰۲۴، جدایی طلبان " اردوی آزادی بخش بلوچستان حاضر هستند با هر نهادی علیه دشمن مشترک برای منافع متقابل " همکاری کنند. اولین حادثه حمله انتحاری در ماه اپریل سال ۲۰۲۲ توسط جدایی طلبان بلوچ، مانند یک اختاریه در Institut Confucius de l'Université de Karachi (پوهنتون کراچی) بود، که جدایی طلبان مسئولیت آن را بدوش گرفته بودند و توسط "Brigade Majeed" انجام شد که جدایی طلبان آن را "شاخه فدائیان" شان می نامند. مجید بار اول در پهلوی جدایی طلبان بلوچ در ماه اپریل ۲۰۱۸ در حمله بر مهندسان چینیایی در بندر گوادر ظاهر شد. در نوامبر همان سال علیه قنسلگری چین در کراچی و در ماه می سال ۲۰۱۹ در حمله بر هتل انترکانتینانتل گوادر .

جدایی طلبان بلوچ علایم چیز های را که نشان دهنده "اشغال بلوچستان توسط پاکستان" می دانند، مورد حمله قرار می دهد، مانند نظامیان، مامورین اداری غیر بلوچ و پروژه های بزرگ. جدایی طلبان در آخرین گزارش خود در سال ۲۰۲۴ اعلان نمودند که ۳۰۲ حمله توسط فدائیان شان انجام داده شد و ۵۴۵ نفر اعضای دشمن کشته شدند.

علاوه از این بیلانس قابل ملاحظه نگرانی جدید از همدستی جدایی طلبان، استفاده از حملات انتحاری بود که مختص اسلاميست های بنیادگرا است.

دشمن مشترک کیست؟ اگر به سمت سیستان ایران نگاه کنیم جائیکه بلوچ های ایرانی علیه دولت شعیه تهران می جنگند، بنابراین دشمن مشترک دولت ایران و پاکستان خواهد بود و بمباردمان های که در جنوری سال ۲۰۲۴ توسط ایران و سپس توسط پاکستان علیه پایگاه های نظامی در دو طرف سرحد اجرا گردید، این نشان دهنده همدستی دیگر بین جدایی طلبان بلوچ و گروه شدیداً اسلامگرای جیش العدل (معروف به جند الله) را نشان می دهد.

این واقعیت ها باید به دقت تعقیب شوند چون که تمام نیرو های جدایی طلبان بلوچ، دولت اسلامی - خراسان، تحریک طالبان پاکستان و القاعده در سرحدات سه کشور جمع شده اند و خطر بزرگ است برای بی ثباتی منطقه.

ختم گزارش